



بررسی تطبیقی مدیریت اغتشاشات در جمهوری اسلامی ایران و چین

علی پور خزایی^۱

چکیده:

در پژوهش پیش رو، مؤلفه‌های مدیریت اغتشاشات در کشور چین و تطبیق آن با جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و دقت نظر قرار گرفته و نتایج و یافته‌های قابل توجهی حاصل شده است. به‌طوری‌که مبنای مدیریت اغتشاشات در کشور چین تا حد امکان از خشونت پرهیز کرده. در صورت ادامه ناآرامی‌ها سرکوب حتی به شکل خونین آن، مد نظر قرار گرفته و «ارتش آزادی بخش خلق چین» با پشتیبانی تانک‌ها و نفربرهای خود وارد صحنه می‌شود. گفته می‌شود که برای تحریک سربازان به فرونشاندن ناآرامی‌ها و سرکوب مردم در مواردی به آنان داروهای محرک، نظیر آن چه برای تحریک سربازان آمریکایی در جنگ ویتنام استفاده می‌شد، داده شده است در این گونه موارد پکن از اعلام دقیق تعداد کشته‌ها اجتناب نموده و برای حل مشکلات خود راه حل‌های استراتژیک برای برگرداندن حاشیه به متن انتخاب می‌کند. زیرا اعتقاد دولتمردان چین بر این است که تا وقتی بحث و مشکل حاشیه و احساس دوگانگی، بیگانگی و کنار بودن و طرد شدن در میان توده‌های فقیر وجود داشته باشد، ناآرامی‌ها همچنان ادامه خواهند داشت. دولت چین معتقد است باید پایه‌های فکری و ایدئولوژیک اغتشاشگران را هدف قرار داد و نابود کرد. نه این‌که صرفاً با برخوردهای اطلاعاتی و نظامی با آنها مقابله نمود. زیرا باید ریشه را خشکاند. آن ریشه هم در این واقعیت رشد و نمو کرده است که محرومان در حاشیه جامعه قرار گرفته‌اند. در حالی که آنها باید احساس کنند که در متن قرار دارند. در آن صورت، قواعد بازی در متن را پذیرفته و نقش درخور خود را ایفا می‌کنند اما دکت‌ترین مدیریت اغتشاشات در نظام مقدس ج.ا.ا. با استفاده از روش بصیرت افزایی و آگاه‌سازی ملی با اتکا به حمایت و پشتیبانی سرمایه اجتماعی (حضور مردم در صحنه) و همچنین مؤلفه‌های پیش‌بینی، پیشگیری، مقابله، ترمیم و بازسازی انواع بحران‌ها مدیریت می‌شوند.

کلید واژگان: امنیت، الگو، اغتشاشات، مدیریت.

^۱ مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ali.porkhazai@gmail.com





امنیت از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران همه نظام‌های سیاسی است، به‌طوری‌که هر حکومت برای رسیدن به این غایت، از ابزارها و روش‌های گوناگونی استفاده می‌کند. یکی از چالش‌های جدی محل امنیت دولت‌ها، پدیده آشوب‌ها و اغتشاشات مردمی در قلمرو سرزمینی است و هر حکومتی برای استقرار و پایداری امنیت از متد و روش‌های پذیرفته‌شده جهانی و همچنین مدل ویژه خود بهره می‌برد. منشاء تکوین پدیده ناآرامی یا اغتشاشات در واحدهای سیاسی گوناگون، منبعث از موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است؛ اما دکترین مدیریت بحران‌های مذکور با رعایت ملاحظات فرهنگی و ایدئولوژیک هر کشور، دارای تشابهات، تمایزات و تفاوت‌هایی می‌باشند. امنیت داخلی وضعیتی از تفوق نظم، قانون و رعایت عدالت در جامعه است به‌گونه‌ای که شهروندان در سایه‌ی آن از تهدید و خطر در امان بوده و برای حفظ و پاسداری از حقوق خود و برطرف کردن زمینه‌ها و عوامل تعرض احتمالی، اطمینان خاطر یابند. یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث برهم خوردن امنیت داخلی می‌شود، نحوه مدیریت ناآرامی‌های اجتماعی است

با شکل‌گیری انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی، حضور مردم در جای‌جای نهادهای انقلاب، باعث رابطه تنگاتنگ مردم و حکومت گردید و چنانچه در هر جا از کشور ناامنی و اغتشاش روی می‌داد، این خود مردم بودند که با بصیرت، مسئله را حل و فصل می‌کردند. الگوی مدیریت اغتشاشات در جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی، پیشگیری، مقابله، ترمیم و بازسازی است و بر پایه آگاه‌سازی مردم و کمک و حمایت مردم از نظام پابرجاست اما با توجه به دخالت کشورهای بیگانه و دشمنان انقلاب برای برخورد با عناصر بیگانه از قدرت پلیس نیروهای نظامی استفاده می‌شود اما اصل بر مدارا کردن با مردم و صبر و شکیبایی پلیس و حداقل خشونت و اقدام در جهت رفع مشکلات مردم می‌باشد که با ورود به بحث و بررسی الگوی مدیریت اغتشاش‌ها در کشور چین و تطبیق آن الگو با مدیریت اغتشاشات در ایران گامی هرچند کوچک در این راه برداشته و مدخلی را بر این دشت وسیع بازگشاید. در این خصوص چگونگی برخورد نیروهای دولتی با اغتشاش‌گران و روشن بودن الگو بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد تا کاربر را در چگونگی مواجهه با اغتشاش‌های مختلف یاری نماید.





اهمیت و ضرورت تحقیق

اغتشاش‌های شهری را می‌توان از جمله پدیده‌های رو به رشد در جوامع مدرن امروزی ارزیابی کرد که به دلیل شرایط نوین سیاسی اجتماعی، گونه‌های مختلفی از آن‌ها پدید آمده است. این وضعیت دلالت بر آن دارد که مطالعه پدیده اغتشاشات شهری یک ضرورت نظری کاربردی است؛ که از اهمیت بالایی برخوردار است بنابراین، می‌توان از اهمیت و ضرورت طراحی «الگوی مدیریت اغتشاشات» سخن گفت که هر بازیگری لازم است متناسب با شرایط و امکانات خود جهت مدیریت آن اهتمام ورزد. از طرفی امروزه جامعه‌شناسی سیاسی در مقام معرفت‌افزایی و کشف، تبیین و تدوین محیط‌های اجتماعی، سیاسی و در ذیل آن مباحث مربوط به دگرگونی‌های اجتماعی و اغتشاش‌های داخلی در کشورها از سابقه‌چندانی برخوردار نیست. از همین روی، حوزه به نسبت فراخ و پراهمیتی از موضوعات مربوط به ثبات و بی‌ثباتی سیاسی، اغتشاش و بی‌نظمی و انگاره‌های پژوهشی مختلف وجود دارد که در عمل بکر و دست‌نخورده باقی‌مانده است. تحقیق حاضر با عنایت به این کمبودها تلاش دارد. در راستای مرتفع‌سازی نیازهای زیرگامی علمی جهت استفاده کاربران مدیریت بحران برداشته باشد.

الف - تفاوت بین مدیریت ناآرامی‌ها در یک کشور اسلامی با یک کشور غیر اسلامی؛

ب - بررسی علمی دو الگوی متفاوت از مدیریت ناآرامی‌های اجتماعی.

روش تحقیق

این تحقیق به روش، توصیفی و تحلیلی است. گردآوری اطلاعات به روش اسنادی، از طریق مطالعه کتب، نشریات و فصلنامه‌های، تخصصی و همچنین تحقیقات به‌عمل‌آمده در زمینه موضوع می‌باشد شیوه جمع‌آوری به طریق فیش‌برداری و همچنین جستجو در تارنمای اینترنت صورت گرفته است

اهداف کلی مدیریت اغتشاش

هدف کلی، بهینه‌سازی فعالیت‌های مقابله با اغتشاش و به حداقل رساندن خسارات ناشی از آن است. در نهادهایی مانند استانداری‌ها، مدیران هدف‌هایی دارند و باید بکوشند تا با بهره‌گیری از کمترین منابع به آن‌ها دست یابند. در مدیریت اغتشاش نیز بهبود بهره‌وری با توجه به اهمیت حیاتی عملیاتی آن، از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. در ابتدا مدیریت زمان لحاظ می‌شود که در آن مدیر موظف است هزینه‌ها و مدت پروژه‌ها را کاهش و تعداد و کیفیت پروژه‌ها و فعالیت‌ها را





جهت نیل به اهداف افزایش دهد. به عبارت دیگر زمان شروع واکنش و امدادرسانی، هزینه عملیات برای امدادرسانی و بازسازی باید کاهش یابد. از طرف دیگر حجم عملیات آمادگی، امدادرسانی و بازسازی، کیفیت عملیات آمادگی، امدادرسانی و بازسازی، سطح آمادگی مقابله با اغتشاش و حجم اقدامات بازسازی و عادی سازی باید افزایش یابد.

ادبیات و پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی به وسیله پژوهشگران و متخصصان امنیتی، حول محور مدیریت بحران و آرام سازی به عمل آمده است، در ادامه به برخی از تحقیق‌های همسو با موضوع اشاره می‌گردد.

الف- اسماعیلیان، علی (۱۳۷۸) «بررسی جنبش دانشجویی در نظام جمهوری اسلامی ایران» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران] این پژوهش در صد بررسی این سؤال اساسی است که جنبش دانشجویی چه تأثیری در تحولات سیاسی، اجتماعی بعد از انقلاب داشته است. در رابطه با سؤال اصلی فوق فرضیاتی به شرح زیر در نظر گرفته شده است: ۱- جنبش دانشجویی مولود شرایط قبل از انقلاب بوده و حیات سیاسی خود را در ایجاد هسته‌های مقاومت علیه نظام حاکم وقت تعریف نموده است. ۲- جنبش دانشجویی در بعد از انقلاب محلی برای فعالیت نداشته و دوران افول و انفعال خود را طی نموده است، اما در عین حال با حفظ زمینه‌ها، نقش خود را در دوم خرداد ۱۳۷۶ بازیافته است. برای پاسخ به سؤال اصلی و بررسی فرضیات فوق سعی شده است یافته‌های پژوهش در زمینه جنبش دانشجویی ارائه شوند و روند انفعال و فعالیت آن بخصوص بعد از انقلاب اسلامی که محور پژوهش بر آن واقع شده است بررسی گردد.

ب- جیرانی، هوشنگ (۱۳۷۷) «جنبش دانشجویی در ایران ۱۳۳۲-۱۳۵۷» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران] در این پژوهش سعی شده است تا رابطه میان رشد و افول جنبش دانشجویی ایران که از طریق مسالمت‌آمیز فعالیت می‌کرد تا با رشد اقتدار و استبداد نفتی محمدرضا بررسی و نقش استبداد مذکور در ظهور جنبش‌های دانشجویی در دایره جنگ‌های چریکی و نمونه خارج از کشور آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. فرضیه این تحقیق عبارت است از: «با ضعف در ارکان رژیم دیکتاتوری محمدرضا شاه، جنبش دانشجویی به مانند دیگر احزاب و گروه‌ها، در صحنه سیاسی جامعه فعال شده و اقدام به طرح خواسته‌های صنفی و سیاسی خود کرده است و با قدرتمند شدن و افزایش اقتدار رژیم، جنبش دانشجویی در وجه مسالمت‌آمیز آن گرچه به واسطه فشار و سرکوب شدید دچار رخوت و سستی شد ولی در دو قالب جنبش‌های چریکی و جنبش دانشجویی





خارج از کشور به حیات خود ادامه و از سال ۴۲ تا انقلاب ۵۷ وارد دوره نوینی از مبارزات خود شد.»

پ- بنی‌زاده موحد خامنه، سیما (۱۳۸۰) «بررسی تأثیر حکومت در مشارکت سیاسی دانشجویان در سال‌های (۷۶-۱۳۶۸)» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]، دغدغه اصلی این پژوهش در پس این سؤال قرار گرفته که چرا بیشتر فعالیت‌های سیاسی دانشجویان در ایران از نوع قهرآمیز و حرکت‌های خشن است. در بیشتر موارد به‌جز استثنائاتی در تاریخ ایران رابطه حکومت با دانشجویان رابطه‌ای سلطه‌گرانه و سرکوبگرانه بوده و چنین ارتباطی غالب اوقات دانشجویان را به انفعال کشانده است و در نتیجه هرگاه جامعه (به‌طور عام) و دانشجویان (به‌طور خاص) فرصتی یافته‌اند، به دلیل عدم وجود یا ضعف نهادهای مدنی، رفتارهای سیاسی به خشونت و سرکوب گراییده است.

ت- چاکرالحسینی، حبیب‌الله (۱۳۸۱) «بررسی نقش مشارکت سیاسی در امنیت ملی ایران». [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]، اهم یافته‌های این پژوهش عبارت‌اند از: در استقرار سازوکارهای امنیت پایدار و در تبیین ضرورت پرداختن به امنیت معطوف به اقتدار فرهنگی نقش مردم بیش از هر اقدام سخت افزارانه‌ای حائز اهمیت است. چراکه برآیند مطلوب هر نظام سیاسی که چگونگی فضای امنیتی جامعه نیز متأثر از آن است، عبارت از میزان رضایتی است که آحاد مردم از عملکرد آن نظام در تعامل با محیط پیرامونی دارند. در شرایط امنیت معطوف به اقتدار فرهنگی زمینه بسط و توسعه آئین‌های مدنی، باورهای مشترک و پیشگیری از ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی فراهم گردیده و با تولید و بازتولید ارزش‌های انسانی در جامعه، سایر ارزش‌های حیاتی که منافع ملی، اهداف ملی، امنیت ملی و ... ترجمان آن هستند، تضمین خواهد شد. در غیر این صورت با ایجاد گسست در مبانی اجتماعی و سیاسی و باورهای عمومی که نتیجه بلامعارض عدم پیوند و تعامل بین مردم و دولت است، امنیت ملی نیز در مقابل انواع آسیب‌ها شکننده بوده و درواقع حساسیت‌هایی که می‌باید به‌طور متعارف و طبیعی حل‌وفصل گردد به تهدیدی مبدل می‌شود که کل نظام را با مخاطره جدی روبرو می‌سازد.

ج- حسن زاده، خلیل (۱۳۸۱) «بررسی رابطه توسعه سیاسی و اقتصادی با امنیت و بحران در ایران» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]، راهبردها و سیاست‌های تدوین‌شده برای بالا بردن توان ضریب اشتغال در راستای مبارزه علیه بیکاری بعد از انقلاب اسلامی و همچنین در سایه برنامه‌های اول و دوم و سوم توسعه کشور، شکاف بین عرضه و تقاضای موجود را نه تنها تأمین





نموده است بلکه هرروز به ابعاد این شکاف اضافه می‌گردد. مسئله این است که موضوع اشتغال بعد از انقلاب اسلامی همواره یک مسئله سیاسی محسوب می‌شده است و شیوه برخورد با آن تابع اقتضاهای سیاسی و امنیتی و بحران‌های سیاسی بوده است. بنابراین بیکاری به‌عنوان یک میانجی و حلقه واسطه میان عدم توسعه سیاسی و عدم توسعه اقتصادی در تشدید این توسعه‌نیافتگی مؤثر می‌باشد. بنابراین، این معضل باعث تداوم دور باطل می‌شود. به‌هرحال لازم است با استفاده از انواع وسایل و ابزار بتوان از خارج شدن مسئله بیکاری از حالت اقتصادی صرف به شکل یک مسئله سیاسی و امنیتی جلوگیری نمود.

چ- جدی، سید مجید (آبان ۱۳۸۳) «بررسی مدیریت بحران در زمینه امنیت داخلی و ارائه الگوی بهینه در این مورد» موردپژوهش وقایع کوی دانشگاه تهران ۱۸ الی ۲۳ تیرماه ۷۸ [رساله دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی]، این تحقیق با اهداف مشخص کردن سیر مدیریت بحران در زمان بروز حادثه ۱۸ تیر، دستیابی به علل تحقق یا عدم تحقق اصول مدیریت بحران در کنترل حادثه در روز ۱۸ تیر، میزان تأثیرگذاری انسجام‌نخبگان سیاسی و امنیتی در کنترل بحران و ارائه الگوی بهینه در کنترل بحران‌های داخلی انجام شده است. در این تحقیق با توجه به مطالعات اکتشافی اولیه خصوصاً مصاحبه با تنی چند از دست‌اندرکاران مدیریت بحران‌های گذشته دو فرضیه در نظر گرفته شده است و در رابطه با فرضیه اول تحقیق سه اصل:

الف. اصل تحدید بحران؛

ب. اصل وحدت تلاش‌ها؛

ج. اصل کاربرد حداقل خشونت مبنای مطالعه قرار گرفته‌اند.

ب- فتحی زاده دهکردی، علی (۱۳۸۱) «نقش جنبش اصلاحات در شفافیت و تحول جناح‌بندی سیاسی و توسعه حزب» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]، در این پژوهش به استناد قرائن و شواهد و اظهارنظرهای صاحب‌نظران دانشگاهی و مسئولین سیاسی کشور نشان داده می‌شود که جنبش اصلاحات طی سال‌های ۱۳۷۶ به بعد جناح‌بندی سیاسی کشور را شفاف‌تر کرده و بسترهای لازم را برای توسعه حزب ایجاد نموده و این امر موجب ظهور احزاب سیاسی جدید شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دیدگاه مسئولین سیاسی کشور و صاحب‌نظران بر ضرورت تشکیل احزاب استوار شده است. احزاب سیاسی به‌صورت رسمی و قانونی و همراه با مرامنامه و اساسنامه و عضوگیری رسمی و تشکیل کنگره‌های سالانه و اعلام مواضع رسمی شکل‌گیری و فعالیت خود را شروع نموده‌اند. ظهور احزاب جدید همچون مشارکت، همبستگی، مدافعین پیام





دوم خرداد، کارگزاران سازندگی، تمدن اسلامی، فرزندان ایران، مردم، کار و... محصول این وضعیت هستند.

امنیت

«امنیت بطور کلی یعنی تداوم اموری مانند: سلامت جسم و فکر و روح، همبستگی خانواده، جریان سرمایه گذاری فیزیکی و انسانی و جریان مصرف معقول. همچنین انتظارات افراد جامعه از تداوم آتی این امور به سمت بهتر شدن؛ به گونه ای که موقعیت موجود و بهبود این امور، از تعرض و گزند عوامل مخرب مختلف در امان باشند» (مرادیان، ۱۳۹۰: ۲۵).

مدیریت اغتشاش

مدیریت اغتشاش عبارت است از به کارگیری مجموعه‌ای است از شیوه‌ها و تدابیر که به وسیله آن‌ها کنش و تهدید ایجاد شده را تقلیل داده و درنهایت و در صورت امکان آن را از بین می‌برند. مدیریت اغتشاش هنری است که از رهگذر آن دولتمردان، نخبگان و بازیگران در صحنه، نقش تعیین کننده خود را در حضور و غیابشان، به نمایش می‌گذارند. به دیگر سخن، مدیریت اغتشاش هنر فهم و درک این مهم است که چگونه از یک اغتشاش دوری جویم و در صورت وقوع چگونه به سلامت از آن عبور کنیم.

زمانی که افراد با اغتشاش مواجه می‌شوند ممکن است اشتباهات زیادی از آنان سرزند. هدف اصلی مدیریت اغتشاش دستیابی به راه حل معقول برای برطرف کردن شرایط غیرعادی و کاهش اشتباهات است به گونه ای که منافع و ارزش‌های اساسی نظام، حفظ و تأمین گردد. این هدف دربرگیرنده سیاست‌های جاری است و فرایندهای اجبار و انطباق را پی می‌گیرد تا درنهایت به گرفتن بیشترین امتیازات ممکن بیانجامد و موفقیت و جایگاه خودی تا حد امکان بدون هرگونه تزلزل حفظ شود. (کریمانی، ۱۳۸۴: ۴۳)

الگوهای مختلف مدیریت اغتشاشات

الف. الگوی مدیریت اغتشاش تیری و میتراف

تیری و میتراف معتقدند که مدیریت اثربخش اغتشاش، جدا از نوع اغتشاش، شامل اداره کردن پنج مرحله مشخص است که اغتشاش‌ها طی می‌کنند.

(۱) شناسایی یا ردگیری علائم؛





(۲) آمادگی و پیشگیری؛

(۳) مهار ویرانی؛

(۴) بهبود؛

(۵) یادگیری.

این الگو با شناسایی یا ردگیری علائم اغتشاش شروع شده و سپس با فرایند یادگیری از مرحله بهبود پایان می پذیرد و سپس نتایج یادگیری به مرحله اول برمی گردد و این چرخه همین طور ادامه می یابد. واضح است که دو مرحله اول، جزء مراحل قبل از اغتشاش بوده و مدیریت پیش فعال اغتشاش را شامل می شود. هر تلاش یا فعالیتی در طول این مراحل کمک زیادی به شناسایی، پیشگیری یا جلوگیری از اغتشاش های بالقوه در مراحل اولیه می کند. در مقابل، مراحل سوم و چهارم مراحل بعد از اغتشاش بوده و هر فعالیتی طی آنها صورت گیرد به عنوان فعالیت های واکنشی یا منفعل شناخته می شود که تلاشی است در جهت مقاومت یا کنترل شدید بر یک اغتشاش با هدف حداقل کردن ویرانیهای احتمالی آن.

مدیریت پیش فعال اغتشاش، اهمیت ویژه ای برای هر کشور دارد زیرا کشورها را در بسیاری از جنبه ها برای رویارویی با موقعیت های اغتشاش آمیز ناخواسته و غیرقابل انتظار آماده کرده و آنها را در زمان وقوع اغتشاش در موقعیت مساعدی قرار می دهد. برای پیدایش چنین مدیریتی باید سه فعالیت اصلی صورت گیرد.

(۱) ایجاد یک برنامه مدون کنترل اغتشاش؛

(۲) تشکیل تیم مدیریت اغتشاش؛

(۳) آموزشهای منظم پرسنل برای مواجهه با اغتشاش ها (مرادیان، ۱۳۹۰: ۳۵).

ب. الگوی واکنشی در مقابل مدل پیش فعال.

اساساً، در موقعیت های اغتشاش آمیز از دو زاویه به اغتشاش می نگرند: واکنشی و پیش فعال. کشورها هم می توانند علائم هشداردهنده را نادیده گرفته و با وقوع اغتشاش نسبت به آن واکنش نشان دهند و هم می توانند خود را برای رویارویی با اغتشاش و مدیریت آن از قبل آماده سازند. در حالت اول پیامدهای ناشی از اغتشاش مشخص نمی شود ولی در حالت دوم نه تنها فرصت هایی برای اداره اغتشاش فراهم می گردد بلکه حتی می توان به دفع اغتشاش نیز اقدام نمود (Spillon and Rick Crandall;





18، 2002). در الگوی واکنشی، تصمیمات مربوط به اغتشاش در حین یا بعد از وقایع اتخاذ می‌شود ولی در مدل پیش‌فعال، تصمیم‌گیرندگان شکل‌های مختلف اغتشاش و نیز برنامه‌های مواجهه با آنها را پیش‌بینی می‌کنند. اولین مرحله در مدل پیش‌فعال، تجزیه و تحلیل آسیب‌شناسی اغتشاش است که سعی می‌کند نقاط آسیب‌پذیر و نیز عوامل مؤثر در وقوع اغتشاش را شناسایی کند. «اسلاتر» مدلی را برای شناسایی عوامل مؤثر در اغتشاش ارائه داده که در آن ویژگی‌های مدیریتی و سازمانی بر اثربخشی تصمیم‌اثر گذارده و سپس متغیرهای محیطی و رقابت به همراه اثربخشی تصمیم، میزان حرکت به سوی اغتشاش را شکل می‌دهند (Dale; 1987. 40-45).

ج. چرخه عمر اغتشاش و دیدگاه استراتژیک نسبت به آن

چرخه عمر اغتشاش بیان می‌دارد که هر اغتشاش چندین مرحله را طی می‌کند. طبقه‌بندی اغتشاشات براساس چرخه عمر آن، در مشخص کردن استراتژی‌های مواجهه با اغتشاش در هر یک از مراحل عمرش و حتی چگونگی متوقف کردن اغتشاش برای مدیران مفید است. در واقع مدیریت اغتشاش فرایندی نظام یافته است که طی آن، تلاش می‌کند اغتشاش‌های بالقوه را شناسایی و پیش‌بینی کند. سپس در مقابل آنها اقدامات پیشگیرانه انجام دهد تا اثرات آن را به حداقل برساند. برای اجرای این فرایند باید مشخص شود که اغتشاش در چه مرحله از عمر خود قرار دارد تا بتوان نسبت به اقدامات پیشگیرانه یا هر اقدام مناسب دیگر، تصمیم‌گیری نموده و الگوی مناسب را به کار برد (رضوانی، ۱۳۸۵: ۳۲).

مدل چهار لایه‌ای مدیریت اغتشاشات

این مدل یک مدل اجرایی مدیریت اغتشاش است که در آن چهار عامل نقش تعیین‌کننده ایفا می‌نمایند. لایه اول انسان، رفتار و شخصیت اوست که می‌تواند در مقابله با اغتشاش یا برخورد انفعالی با اغتشاش نقش داشته باشد. تجربیات و آموخته‌های افراد، میزان نگرانی و اضطراب یا خونسردی و حفظ آرامش آن‌ها در زمان وقوع اغتشاش و سایر ویژگی‌های شخصیتی و روحی افراد، عاملی مؤثر در مدیریت اغتشاش به شمار می‌رود. بدین جهت تلاش‌های مدیریت در مقابله با اغتشاش به میزان زیادی وابسته به افرادی است که هسته اصلی مدیریت محسوب می‌شوند.



مدل چهار لایه‌ای مدیریت بحران

انسان، رفتار و شخصیت او، تجربیات و آموخته‌های افراد، میزان نگرانی و اضطراب یا خونسردی و حفظ آرامش آن‌ها در زمان وقوع اغتشاش و سایر ویژگی‌های شخصیتی و روحی افراد، که می‌توانند در مقابله با اغتشاش، خسارت‌ها، اغتشاشات نقش داشته

فرهنگ جامعه شامل قوانین نانوشته و تلویحی جامعه، هنجارهای رفتاری اعضای جامعه، مجموعه باورها، اعتقادات حاکم بر جامعه، خدایان، پادشاهان، نایب‌الها، حامی

ساختار ارتباطی اغتشاش از نظر پیچیدگی، تمرکز و اختیارات سلسله‌مراتب و اندازه

استراتژی و خط‌مشی‌ها و شیوه‌های مقابله

تحلیل مدیریت اغتشاشات در چین

از سال ۱۹۷۸، با قدرت گیری دنگ شیائو پنگ

مرگ هوياڻو پنگ، ڊيرڪل پيشين حزب ڪمونيست چين، جرقه‌اي به انبار نارضايتي عمومي زد. «هو» ڪه به عنوان ڪمونيستي آزادي خواه شناخته مي‌شد، در واڪش به اعتراضات دانشجويي در سال ۱۹۸۷ از ڪار بر ڪنار شده بود. مرگ وي اين امڪان را به مردم چين داد ڪه بدون ترس از سرڪوب، به ستايش وي پرداخته و مخالفت خود با جانشينانش را ابراز ڪنند. چرا ڪه ممنوع اعلام





کردن بزرگداشت یک دبیر کل سابق حزب برای حکومت بسیار خجالت آور بود. تجمعات دانشجویی اگر چه به بهانه‌ی بزرگداشت «یائو پنگ» (یکی از مدافعان دموکراسی از نظر دانشجویان)، آغاز شد، اما در عمل گام‌ها از آن فراتر رفت و به اعتراض علیه فساد حکومتی، درخواست آزادی بیان و در نهایت مطالبه‌ی اصلاح حکومت و قوانین جمهوری خلق چین کشیده شد. هم‌زمان افزایش احساسات ضد بیگانه به اوج‌گیری اعتراضات دامن زد. به طور مشخص دانشجویان عقیده داشتند که خارجی‌های مقیم چین از حقوق بیش‌تری نسبت به خود چینی‌ها برخوردارند. همچنین اعلام قانون خانواده در ۲۰ مه از سوی دولت، موجب تداوم اعتراضات شد. دانشجویان که با طرد انجمن‌های دولت ساخته حزب کمونیست در دانشگاه‌ها، گروه‌های مستقل خود را تشکیل داده بودند، با حمایت اساتید و روشنفکران در اعتراضات شرکت می‌کردند. آنان خود را چینی‌های میهن پرست و میراث‌داران جنبش «۴ مه، برای دانش و دموکراسی» در سال ۱۹۱۹ می‌دانستند. این اعتراضات هم‌چنین یادآور تظاهرات سال ۱۹۷۶ در میدان تیان آن من بودند، وقایعی که به کناره‌گیری «گروه چهار»^۱ از قدرت انجامیده بود. جنبش اگر چه توسط دانشجویان آغاز شد اما برخلاف اعتراضاتی که دو سال قبل، یعنی سال ۱۹۸۷، رخ داد و تنها دانشجویان و روشن‌فکران در آن سهیم بودند، توانست به سرعت و به شکل وسیعی حمایت طبقه‌ی کارگر را، که از فساد و افزایش روز افزون تورم به ستوه آمده بود، جلب کند. رهبران کارگری و

نحوه برخورد دولت چین با اغتشاش

جنبش اندک اندک گسترش یافت و کارگران دیگر شهرها به تظاهرات پکن پیوستند. در مقابل حکومت چین، سران حزب و کمیته‌ی پولیتبرو امیدوار بودند اعتراضات چندان به طول نینجامد و آنان بتوانند با اصلاحاتی، مخالفان را آرام کرده و با تشکیل یک کمیته‌ی تحقیق در مورد فساد، به ماجرا خاتمه دهند. حکومت مایل بود تا حد امکان از خشونت پرهیز کرده و با به کارگیری ابزارهای مؤثر حزب، دانشجویان را برای بازگشت به کلاس‌های درس ترغیب کند. در عین حال از آن جا که تعداد قابل توجهی از معترضان از اعضای حزب کمونیست چین بودند و در آغاز ماجرا نیز رهبری حزب، خود را همراه با خواسته‌های دانشجویان، به ویژه مبارزه با فساد، جا زده بود، امکان اقدامی مؤثر در برابر اعتراضات از حکومت سلب شده بود. مشکل بزرگ دیگر این بود که

۱- گروه متشکل از چهار تن از رهبران حزب کمونیست چین که پس از مرگ مائو از کار برکنار شده و به زندان افتادند. ژیانگ کینگ، همسر مائو، ژانگ چون کیا او، یائو ون یوآن و وانگ هون ون به سبب دست داشتن در رویدادهای مربوط به انقلاب فرهنگی چین مقصر دانسته شده و برکناری آن‌ها از قدرت، پایان عصر انقلاب فرهنگی بود. همه آنان در زندان درگذشتند.





مخالفان یک دست نبوده و از گروه‌های متنوع با خواسته‌های گوناگون تشکیل می‌شدند. از این رو دولت نمی‌دانست باید بر سر چه خواسته‌ای و با چه کسانی مذاکره کند. در واقع سردرگمی و دو دلی معترضان موجب سردرگمی حکومت نیز شده بود. امری که به وضوح در رسانه‌های رسمی نمایان بود: آن‌ها گاهی به حمایت از معترضان و گاه به حمله علیه آن‌ها می‌پرداختند.

با این همه دانشجویان و کارگران به اعتراضات خود ادامه دادند، سازمان یافته‌تر از همه جا در میدان «تیان آن من». آنان در حالی که «انترناسیونال» می‌خواندند و شعارهایشان را بر روی پرچم‌های سرخ نوشته بودند، به راهپیمایی پرداخته و اتحادشان را به نمایش می‌گذاشتند. در آن مقطع به دلیل سفر میخائیل گورباچف به چین، شمار زیادی از خبرنگاران خارجی نیز در آنجا حضور داشته و اعتراضات را به شکل وسیعی پوشش دادند. سرانجام پس از رایزنی سران حزب، دولت راه حل نظامی شدید را برگزید. حکومت مخالفان را طرفداران سرمایه‌داری معرفی کرد. امری که با استقبال رسانه‌های جهان سرمایه‌داری هم‌مضرا شد و آنان نیز بی‌توجه به پرچم‌های سرخی که در تیان آن من به اهتزاز در آمده بودند، همین توصیف را برای‌شان به کار بستند.

عاقبت سربازان لشکر ۲۷ «ارتش آزادی بخش خلق چین» با پشتیبانی تانک‌ها و نفربرها به شهر اعزام شدند. افراد این لشکر در روزهای منتهی به ۴ ژوئن ۱۹۸۹، روز سرکوب خونین تیان آن من، اجازه استفاده از روزنامه، رادیو و تلویزیون را نداشتند. بعدها حتی گفته شد که آنان تحت تأثیر داروهای محرک، نظیر آن چه برای تحریک سربازان آمریکایی در جنگ ویتنام استفاده می‌شد، قرار داشتند. این نیروها با کارگران و دانشجویان در خیابان‌های پکن رو به رو شده و در پی گسترش خشونت‌ها، نفراتی از هر دو طرف کشته شدند. دولت چین اعلام کرد هیچ کس در میدان کشته نشده است. البته این گزارش به شکل انحراف‌آمیزی از اظهار نظر در مورد خیابان‌های منتهی به میدان خودداری کرده بود. در ادامه مطابق روش معمول، حکومت به بازداشت باقی‌ماندگان جنبش پرداخت. دسترسی رسانه‌ها به اخبار را محدود کرد و پزشکانی را که در بیمارستان‌ها یا مطب‌های خود به مداوای مجروحان حادثه پرداخته بودند و اطلاعاتی در مورد آنان داشتند، به سکوت وا داشت (<http://www.informaworld.Com>).

لذا شمار کشته‌شدگان و زخمیان این واقعه هم‌چنان جزو اسرار دولتی است. در حالی که شهردار پکن تعداد کشته‌ها را ۲۰۰ نفر اعلام کرده بود، «یو آن مو»، سخنگوی هیات دولت برآورد نمود که ۳۰۰ تن به قتل رسیده و ۷۰۰ نفر زخمی شده‌اند. یکی از مقامات صلیب سرخ چین تعداد کشته‌شدگان را ۲۶۰۰ نفر اعلام کرد. بعدها «کمیته‌ی تدارک انجمن‌های مستقل دانشگاه شین هوآ» تعداد کشته‌شدگان را ۴۰۰۰ نفر اعلام کرد. خبرنگاران خارجی که شاهد درگیری‌ها بودند، این



مقدار را دست کم ۳۰۰۰ نفر مخابره نمودند. اما فهرست‌های غیررسمی و زیرزمینی که از اسامی کشته شدگان تهیه شده است، نام بیش از ۵۰۰۰ تن را در برمی‌گیرد. پس از این سرکوب شدید، اعتراضات در برخی شهرهای چین ادامه یافت. اعتراضاتی که خارج از پکن و با انبوه دهقانان حامی دولت، و به دور از پوشش خبری رسانه‌ها به راحتی سرکوب شدند (<http://www.hrworg/press/index.htm>).



شکل: چین - میدان تیان آن من ۴ ژوئن دوچرخه سوار معترضی که بر اثر له شدن زیر تانکها با دوچرخه اس هم سطح خیابان شده است! (nashrieh-nameh1989).

با سرکوب جنبش دانشجویی و کارگری ۱۹۸۹، نسلی از مبارزان پیشرو چینی نابود شد. آن جنبش، موضع هماهنگی در برابر برنامه‌های اقتصادی دولت نداشت و رهبرانش قادر نبودند یک جبهه سیاسی منسجم، یا حتی یک جریان فکری قوی پدید آورند که بتواند با بازتولید خود، به حیاتش ادامه دهد. بسیاری از این رهبران با رویگردانی از فعالیت‌های اجتماعی و پرداختن به فعالیت‌های اقتصادی، به ثروت‌هایی کلان دست یافته یا به کشورهای دیگر گریختند. تعداد زیادی از گروه‌هایی که پس از جنبش تیان آن من سر بر آورده بودند، به دلیل درگیری‌های درون گروهی از میان رفتند و برخی دیگر از دموکراسی خواهان که از مخالفان جهانی سازی نیز هستند، عملاً ارتباط مؤثر خود با جامعه چین را از دست دادند. چرا که با تبلیغات وسیع جهانی برای لیبرالیسم اقتصادی و هم‌چنین رشد خیره‌کننده‌ی اقتصاد چین، مخالفت با تجارت آزاد و نظایر آن با استقبال مردم مواجه نشد. (مرادیان: ۱۳۹۰)

یکی از جدی‌ترین مشکلاتی که چین با آن مواجه است، فساد اقتصادی رهبران آن است. این معضل آن‌چنان جدی است که از درون خود پولیت بورو نشأت می‌گیرد. شکی وجود ندارد که





نمی‌توان همه رهبران سیاسی چین را دخیل در داد و ستدها و زد و بندهای پشت پرده دانست. اما بر اساس یکی از اسناد داخلی و محرمانه دولت چین که توسط برخی نفوذی‌ها به خارج درز کرد، ۷۸ درصد کسانی که به اتهامات مالی بالای ششصد هزار دلار متهم شده‌اند به یکی از اعضای ارشد حزب منتسب بوده‌اند. ۹۸ درصد رهبران ارشد حزبی بستگانی در پست‌های کلیدی و سیاسی - تجاری دارند که درآمدهایشان حداقل ۱۲۰ برابر درآمد متوسط مردم چین است. اقتصاددانان تخمین می‌زنند که حدود ۱۴ درصد مجموع تولید ناخالص ملی به دلیل فساد مالی رهبران چین به اشکال مختلف، اختلاس می‌شود و این در حالی است که ایجاد شغل برای ۲۵ میلیون کارگر چینی فاقد شغل، معضلی جدید برای دولت این کشور است (<http://hrw.org/press/index.htm>).

چین به عنوان بزرگ‌ترین بازار جهان و قدرت اقتصادی در حال تبدیل به کشوری است که از وجوه مختلف قابل بررسی است. چین امروز بازیگر کلیدی مسئولیت‌پذیری در عرصه بین‌المللی است. اما همین چین مأمّن دزدان و سارقان است. چین جولانگاه حاکمیت کمونیستی منسجم و یک‌پارچه‌ای است که این کشور را به یک شرکت سهامی تبدیل کرده است. شرکتی که هر کسی می‌تواند با عضویت در حزب کمونیست، سهمی از آن به دست آورده و از مزایای این سهم برخوردار شود. عاقبت آن که چین تحت سیطره حزبی است که اندک اندک می‌رود تا با زیرپا گذاشتن وابستگی‌های ایدئولوژیک خود، دوباره متولد شده و به جمعی از نخبگان، ثروتمندان و تکنوکرات‌ها تبدیل شود. از ۱/۳ میلیارد نفر جمعیت چین، تنها عده معدودی از آنها در متن و زندگی جامعه چین قرار داشته و از مواهب آن سود می‌برند و بقیه در حاشیه این زندگی هستند و در متن روابط اجتماعی وارد نشده‌اند یا نگذاشته‌اند که وارد شوند.

بخش عمده‌ای از مردم چین در حاشیه جهان سرمایه‌داری قرار داشته و حقوق مالکیت آنها به رسمیت شناخته نشده است. لذا خودشان را با این نظام بیگانه می‌دانند. در نتیجه نفوذ ایدئولوژی‌های ضد سرمایه‌داری در میان آنان بارز است. آنان صاحب دارایی‌های اقتصادی و تولیدی هستند، اما برای آن سند ندارند یا این که آن مالکیت از نظر دولت به رسمیت شناخته نشده است. در نتیجه امکان گرفتن وام از بانک را ندارند. در این حالت مجبور به پیش فروش محصولات خود می‌شوند و ضرر بسیار هم می‌کنند یا این که به سراغ راه‌های دیگر تأمین مالی می‌روند که پرداخت بهره‌های بالایی را بر آنها تحمیل می‌کند. بنابر این، بخش مهمی از ارزش افزوده‌ای که تولید می‌کنند، به جایی می‌رود که نباید برود. اینان، نمونه بارز حاشیه‌نشینان هستند. در این شرایط، این افراد احساس می‌کنند که تحت فشار هستند. زیاد کار می‌کنند. اما عایدی لازم را ندارند و نمی‌توانند استفاده





اقتصادی متناسب از دارایی‌های خود، داشته باشند. در واقع اینان در نظام اقتصادی چین جایی ندارند. لذا از وضعیت خود ناراضی‌اند و بالقوه دشمنان نظام حاکم محسوب می‌شوند. در حالی که اگر اصلاحاتی در نهادها صورت گیرد و اینان بتوانند وارد بطن و متن جامعه شوند، هم ثروت جامعه افزایش می‌یابد و هم این‌که از حالت رادیکال و دشمنی خارج شده و جزیی از نظام می‌شوند.

سرویس جنگ نرم مشرق - تظاهرات در منطقه خودمختار هنگ کنگ بیش از پنج ماه است که ادامه دارد. اعتراضات در ابتدا ظاهراً در مخالفت با «لایحه استرداد متهمان به چین» آغاز شد، اما پس از تعلیق بررسی این لایحه و سپس لغو کامل آن توسط «کری لم» رئیس اجرایی هنگ کنگ (عالی‌رتبه‌ترین مقام و به عبارتی رئیس‌جمهور در دولت این منطقه) باز هم ادامه پیدا کرد. معترضان این‌بار درخواست‌های جدیدی داشتند که از جمله آن‌ها استقلال انتخاباتی از چین و کناره‌گیری خانم «لم» بود. راهپیمایی ۱ جولای، مصادف با بیست‌ودومین سالگرد تحویل هنگ کنگ از انگلیس به چین، از هر سال شلوغ‌تر بود و نقطه عطفی در اعتراضات به شمار می‌آید. در این روز، عده‌ای از معترضان از جمعیت جدا شدند و با ورود به مجموعه پارلمان هنگ کنگ، نشان‌های دولت مرکزی چین را تخریب کردند (همان).

اقدامات دولت چین

چین برای حل مشکلات خود در حال برگرداندن حاشیه به متن است که راه حل نهایی و استراتژیک محسوب می‌گردد و تا وقتی این اتفاق به طور کامل صورت نگیرد، اگرچه ممکن است دانشجویان میدان تیان آن من در هم شکسته شوند و از بین بروند، اما افراد جدیدی به جای آنان ظهور خواهند کرد. تا وقتی بحث و مشکل حاشیه و احساس دوگانگی، بیگانگی و کنار بودن و طرد شدن در میان توده‌های فقیر وجود داشته باشد، این وضع همچنان ادامه خواهد داشت. چین هم این خطر را سال‌ها پیش احساس کرده است. لذا برای بازگرداندن حاشیه‌نشین‌ها به متن، برنامه‌ریزی نموده است. پس از انقلاب چین و در دهه ۶۰ میلادی، مائو این خطر را احساس کرد که عده‌ای تکنوکرات و بروکرات حزبی مرفع در متن قرار دارند و حاشیه‌نشین‌هایی که انقلاب از میان آنها به وجود آمده را به حاشیه رانده‌اند. بنابر این با انقلاب فرهنگی شرایط را برای بازگشت حاشیه‌نشین‌ها به متن فراهم کرد.

در چین پس از انقلاب فرهنگی، همه بروکرات‌ها و تکنوکرات‌های با سابقه حزبی را تصفیه کردند. حتی دنگ شیائو پنگ را نیز کنار گذاشتند. مائو با این تصور که مشکل، صرفاً یک مشکل





ایدئولوژیک است، به مسائل اقتصادی، حداقل توجه را داشت. با کنار گذاشتن تکنوکرات‌های حزبی، جوانان را بر سر کار آوردند و انقلاب فرهنگی گسترده‌چین را آغاز کردند. مهم‌ترین نتیجه‌ای که این اقدام با خود به همراه داشت، ازدیاد و تعمیق فقر عمومی بود. گفته می‌شود که میلیون‌ها نفر در این دوره از فقر جان سپردند. پس از این اتفاق، مائو کم‌کم پایگاه توده‌ای خود را از دست داد و در داخل حزب هم موقعیت وی تضعیف شد و بسیاری از افراد مؤثر درون حزب به این نتیجه رسیدند که راه پیموده شده، اشتباه بوده و باید همه چیز اصلاح شود. در نتیجه کاهش پایگاه توده‌ای مائو و از دست دادن موقعیتش در حزب، او را به راحتی کنار گذاشتند و دوباره تکنوکرات‌ها و بروکرات‌های حزبی به قدرت رسیدند و دنگ شیائو پنگ را به رهبری برگزیدند. البته، تکنوکرات‌ها و بروکرات‌ها نیز به وخامت اوضاع و به اشتباهات خود پی بردند. آنها گفتند کمونیسم برای این است که وضعیت مردم فقیر را بهبود بخشد و اگر این کار انجام نشود، محکوم به شکست و نابودی است. راهی که تکنوکرات‌ها و بروکرات‌ها برگزیدند، انجام اصلاحات گسترده اقتصادی و باز کردن اقتصاد بود. آنها سرمایه‌گذاری خارجی را تشویق و مناطق آزاد متعددی ایجاد کرده و نهایتاً از طریق ادغام اقتصاد چین با اقتصاد جهانی و آوردن حاشیه‌ها به متن، توانستند تا حد زیادی بر این چالش مهم فائق آیند.

در حال حاضر، بهبود وضع اقتصادی چین به خوبی قابل ملاحظه است. این بهبود موجب افزایش اعتماد مردم به دولت شده است. از ۱۹۷۹ و زمان شروع اصلاحات توسط دنگ شیائو پنگ تاکنون، درآمد سرانه چینی‌ها سه برابر شده و میزان فقر مطلق به صورت چشمگیری کاهش یافته است. چینی‌ها، به روش خاصی تعصب نداشته و از هر طریقی که بتوانند زندگی مردم خود را بهبود بخشیده و رفاه آنها را افزایش دهند، استفاده می‌کنند. هدف حزب کمونیست بهبود سطح زندگی مردم است. اعم از آنکه این روش‌ها سرمایه‌داری یا غیراز آن باشند. همین که به نظر برسند منافاتی با خواسته‌های حزب ندارند، کفایت می‌کند. زیرا مهم، افزایش سطح رفاه اقتصادی مردم است (غنی نژاد، ۲۰۰۸).

نتایج اولیه‌ی اغتشاش

نسل امروز دانشجویان چینی خاطره‌ای از جنبش ۱۹۸۹ نداشته و با رشد اقتصادی بالا که حکومت به آن می‌بالد و تبلیغات گسترده‌ای در موردش انجام می‌دهد، بسیاری از چینی‌ها دیگر به دموکراسی و آزادی‌های سیاسی نیاندیشیده و صرفاً به توسعه‌ی اقتصاد ملی و نوعی ناسیونالیسم اقتصادی می‌اندیشند. اما فاجعه تیان‌آن‌من رهبران چین را مصمم کرد برای حفظ حاکمیت و جلوگیری از بالا گرفتن اغتشاش و ناآرامی در جامعه از دخالت در امور خصوصی مردم پرهیز





کنند، از مشارکت مستقیم با صاحبان سرمایه بپرهیزند و درهای چین را به روی سرمایه و فرهنگ‌های وارداتی بکشایند. این سیاست‌ها هر چند دردهای جامعه ۱/۳ میلیارد نفری چین را به طور کامل التیام بخشید لیکن مانع از انفجار جامعه شد. تحول عمده دیگری که به طور خزنده در حزب کمونیست چین صورت گرفت، نخبه‌گرایی و ورود تکنوکرات‌ها به حزب بود واقعیت این است که جمعیت عظیم چین جای کمی برای مانور رهبران چین باقی می‌گذارد و اصلاحات اقتصادی هم در جهتی قرار گرفته که امکان ایجاد تغییرات گسترده و زیربنایی در وضعیت اقتصادی چین ممکن نیست هرچند که با توجه به حضور ثروتمندان در کمیته مرکزی گمان می‌رود چین با سرعتی بیش‌تر به سوی گسترش خصوصی‌سازی و در پیش گرفتن سیاست‌های بازار آزاد حرکت کند (سادات، ۱۳۸۱).

مدل مدیریت اغتشاش در کشور چین

جمهوری خلق چین مدرنیزاسیون نظامی خود را در چهار محور دنبال نموده و اعلام داشته که تلاش خود را برای تقویت توان ملی در این راستا ادامه خواهد داد. در این راستا اولین هدف برقراری امنیت عمومی در سراسر کشور و هدف دوم امنیت مشترک اعلام است. در این رابطه چینی‌ها شروع به توسعه سیستم‌های مخابراتی و ارتباطی خود کرده و به عنوان مقدمه، از سیستم توزیع و پخش دیتا به وسیله ماهواره آغاز کرده‌اند، که اجازه عبور دیتا را بدون آنکه نیاز به یک خط دید مستقیم باشد فراهم می‌آورد.

بر خلاف ارتباطات نظامی قدیمی که از تلفن و تلگراف استفاده می‌کرد، سامانه‌ی کنترلی جدید این زمینه را ایجاد کرده تا فرماندهان و رده‌های تصمیم‌گیر بتوانند در زمان واحد و به صورت گروهی، به تدوین گزارش‌های اطلاعات پرداخته و این گزارشات را همراه دستورهای فرماندهی، به مقاصد دور ارسال کنند. البته گفته می‌شود که در حال حاضر، تنها بخشهایی از ارتش آزادی بخش خلق چین، مجهز به تجهیزاتی هستند که امکانات مدرن مزبور را بهره‌برداری می‌کنند. به همین دلیل اکثر بخش‌های ارتش به طور غیرخودکار عمل می‌کنند و به همین دلیل فرمان‌ها با تأخیر قابل توجهی منتشر می‌شوند. پس از دست‌یابی به این موقعیت در سامانه‌ی فرماندهی و کنترل جمهوری چین، این کشور از طریق یکی از جراید نظامی خود، ایالات متحده را تهدید کرده است که در صورت مداخله در امور داخلی چین، آمریکا را هدف موشک‌های دوربرد هسته‌ای قرار خواهد داد.

پیشرفتهای مداوم چینی‌ها در مورد سیستم‌های کنترلی مشترک و متداول، نشان‌دهنده اهمیت دقت حسگرها می‌باشد. همچنین چینی‌ها با بهبود بخشیدن به مشخصات حاکم بر C4I بر حسب





شرایط مختلف آب و هوایی، کوچک سازی، هوش مصنوعی، ماندگاری، و یکپارچگی با دیگر اصول را هدف خود قرار داده اند (مرادیان، ۱۳۹۰: ۹۳).

از سال ۱۹۷۹ به بعد بالاترین اولویت چینی‌ها، اتوماسیون و مدرنیزه‌سازی فرماندهی و کنترل بوده است. این تلاش منجر به ایجاد یک شبکه داده‌ای اتوماسیون فرماندهی شده است که فرامین عملیاتی را به‌طور سریع به پایین زنجیره فرماندهی منتقل نموده و اطلاعات را به تصمیم‌گیران در سطوح ملی و صحنه عملیاتی انتقال می‌دهد. این وجود، زیر ساختار کنترلی چین، از جمله شبکه داده‌ها، قادر نیستند نیروهای چینی را در محیط‌های عملیاتی پیچیده و مشترک کنترل و هدایت نماید. همچنین زیر ساختار مذکور قادر به پشتیبانی عملیات با مقیاس وسیع و با طراحی مشترک بین نیروها در هیچ یک از نقاط مرزی دوردست نمی‌باشد. بلکه این شبکه قادر به پشتیبانی عملیات‌های زمان صلح در داخل مرزهای چین می‌باشد (مرادیان، ۱۳۹۰: ۹۳).

کشور	چین
جمعیت	۱۴۰۰۰۰۰۰۰ نفر
مهم‌ترین گروه‌های مخالف	کارگران شهری که با عدم امنیت شغلی و تورم دو دقعی دست و پنجه نرم می‌کنند و روشن‌فکران و دانشجویانی که برنامه‌های اصلاحی حکومت را سطحی و صوری دانسته و خواهان اصلاحات سیاسی، مبارزه با فساد مقامات دولتی و اعطای آزادی‌های مدنی می‌باشند...
میزان اغتشاش‌ها طی ۵ سال اخیر	بسیار کم





فساد اقتصادی رهبران، فقر و ناراضیتی از اصلاحات حکومت، اعتراض علیه فساد حکومتی، درخواست آزادی بیان و در نهایت مطالبه‌ی اصلاح حکومت و قوانین جمهوری خلق چین	علل اغتشاش و خواسته اغتشاشگران
حکومت مایل است تا حد امکان از خشونت پرهیز کرده لذا ابتدا با انجام اصلاحات برای آرام کردن مخالفان و تشکیل کمیته‌ای برای رسیدگی به خواسته‌های معترضان سعی در به دست گرفتن کنترل اوضاع دارد. در صورت عدم موفقیت حکومت مخالفان خود را طرفداران سرمایه‌داری معرفی کرده و از این طریق با برچسب زدن به آنان، افکار عمومی را برای مقابله با اغتشاش گران. آماده می‌کند.. در صورت ادامه ناآرامی‌ها سرکوب حتی به شکل خونین آن، مد نظر قرار گرفته و «ارتش آزادی بخش خلق چین» با پشتیبانی تانک‌ها و نفربرهای خود وارد صحنه می‌شود. گفته می‌شود که برای تحریک سربازان به فرونشاندن ناآرامی‌ها و سرکوب مردم در مواردی به آنان داروهای محرک، نظیر آن چه برای تحریک سربازان آمریکایی در جنگ ویتنام استفاده می‌شد، داده شده است در این گونه موارد پکن از اعلام دقیق تعداد کشته‌ها اجتناب نموده و برای حل مشکلات خود راه حل‌های استراتژیک برای برگرداندن حاشیه به متن انتخاب می‌کند. زیرا اعتقاد دولتمردان چین بر این است که تا وقتی بحث و مشکل حاشیه و احساس دوگانگی، بیگانگی و کنار بودن و طرد شدن در میان توده‌های فقیر وجود داشته باشد، ناآرامی‌ها همچنان ادامه خواهند داشت.	نحوه مقابله با اغتشاش





دولت چین معتقد است باید پایه‌های فکری و ایدئولوژیک اغتشاشگران را هدف قرار داد و نابود کرد. نه این که صرفاً با برخوردهای اطلاعاتی و نظامی با آنها مقابله نمود. زیرا باید ریشه را خشکاند. آن ریشه هم در این واقعیت رشد و نمو کرده است که محرومان در حاشیه جامعه قرار گرفته‌اند. در حالی که آنها باید احساس کنند که در متن قرار دارند. در آن صورت، قواعد بازی در متن را پذیرفته و نقش درخور خود را ایفا می‌کنند ناآرامی‌هایی که تاکنون در چین رخ داده اند نظیر فاجعه تیان‌آن‌من، به رهبران چین آموخته اند که برای حفظ حاکمیت و جلوگیری از بالا گرفتن اغتشاش و ناآرامی در جامعه از دخالت در امور خصوصی مردم پرهیز کرده، از مشارکت مستقیم با صاحبان سرمایه بپرهیزند و درهای چین را به روی سرمایه و فرهنگ‌های وارداتی بگشایند. نخبه‌گرایی و ورود تکنوکرات‌ها به حزب، الگوی رفتاری دیگری است که چینی‌ها برای کنترل اغتشاش‌های خود برگزیده‌اند.	
رفتار بدون ملاحظه	الگوی رفتاری

جدول: الگوهای رفتاری برای مقابله با اغتشاش در کشور چین

الگوی مدیریت اغتشاشات در جمهوری اسلامی

۱- **پیش‌بینی:** به کلیه اقدامات و تدابیری که برای جلوگیری از وقوع و بروز اغتشاشات و ناآرامی‌ها انجام می‌گیرد، پیش‌بینی گفته می‌شود. به عبارت دیگر پیش‌بینی عبارت است از حدس هوشمندانه رویدادهای آینده بر اساس تجزیه و تحلیل رویدادها و وقایع گذشته. (رصد محیط، احصاء قرائن و شواهد، تجزیه و تحلیل متغیرها و ...)

پیش‌بینی و آمادگی‌های لازم:

- ۱- تجزیه و تحلیل تاکتیکی رخداد‌های گذشته و حال و بهره‌گیری از آن برای آینده؛
- ۲- رصد فعالیت‌های فتنه؛
- ۳- شناخت جهت‌گیری‌های عملیات روانی دشمن؛
- ۴- رصد گروه‌ها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی؛



- ۵- پیش‌بینی روند تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در محیط داخلی و پیرامونی؛
 - ۶- شناسایی و رصد کانون‌های حادثه‌خیز؛
 - ۷- رصد اطلاعاتی در فضای مجازی؛
 - ۸- احصاء تقویم سیاسی رویدادها و حوادث ملی و محلی؛
 - ۹- برقراری اقدامات کنترلی (ایست و بازرسی، گشت‌های عملیاتی)؛
 - ۱۰- از دسترس خارج کردن تأسیسات و امکانات آسیب‌پذیر و آسیب‌رسان؛
 - ۱۱- تهیه برآوردها و طرح‌های لازم برای مقابله با اغتشاشات؛
 - ۱۲- بررسی اثرات تهدیدات خارجی بر محیط داخلی؛
 - ۱۳- پیش‌بینی آسیب‌ها و رویدادهای نوظهور.
- ۲- پیشگیری:** به کلیه اقدامات و تدابیری که برای جلوگیری، کاهش درصد وقوع و مهار کردن اغتشاشات و ناآرامی‌ها به بهترین وجه ممکن، انجام می‌گیرد، پیشگیری گفته می‌شود. (اصلاح ساختارها، اعمال کنترل، رفع موانع و مشکلات)
۱. اشراف اطلاعاتی؛
 ۲. افزایش بصیرت دینی، سیاسی عناصر سپاه و بسیج در خصوص فهم دقیق فتنه و تهاجم دشمن در جنگ نرم؛
 ۳. توجیه و اطلاع‌رسانی به علماء و نخبگان جامعه؛
 ۴. نفوذ در عقاید، افکار و نگرش‌های جمعیت آسیب‌پذیر جریان فتنه به‌منظور ریزش در پیکره اجتماعی آن؛
 ۵. عملیات اطلاعاتی برای دستگیری هدفمند عناصر مؤثر تاکتیکی و عملیاتی فتنه؛
 ۶. نمایش مقتدرانه و اراده نهادهای امنیتی و مردم برای بازدارندگی؛
 ۷. کنترل بر توزیع و فروش تجهیزاتی که کاربردهای دوگانه دارند؛
 ۸. شناسایی و کشف شبکه فرماندهی و مدیریت تاکتیکی جریان فتنه در سطح محلی؛
 ۹. انجام عملیات مقابله با عملیات روانی دشمن؛
 ۱۰. هماهنگی و تبادل اطلاعاتی و قضایی با دستگاه‌های ذی‌ربط؛
 ۱۱. اجتناب از اقدامات غیرضرور و تنش‌زا؛
 ۱۲. سلب مشروعیت از جریان فتنه با افشای ماهیت، اهداف، عملکردها و وابستگی‌های آن‌ها به بیگانگان؛
 ۱۳. تفهیم خطوط قرمز امنیتی و سیاسی و گروه‌ها و بروز اقتدار اطلاعاتی به عناصر فتنه‌گر؛





۱۴. مهار و کنترل قانونی و قضایی احزاب، شخصیت‌ها و گروه‌های محرک اغتشاشات؛
۱۵. همسو کردن اقدامات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با اهداف امنیت داخلی.
- ۳- **مقابله:** به کلیه اقدامات و تدابیری که در راستای بازگرداندن نظم و انضباط اجتماعی و دفع تهدیدات علیه امنیت، ارزش‌ها، باورها و اعاده امنیت روانی مردم انجام می‌گیرد، مقابله گویند.
- ۱- تشخیص و شناسایی کانون و محل بحران؛
 - ۲- تهیه عکس و فیلم و مستندسازی از صحنه توسط عوامل خودی؛
 - ۳- مدیریت و کنترل عوامل جریان رسانه‌ای داخلی و خارجی؛
 - ۴- انجام عملیات روانی در صحنه؛
 - ۵- قرق منطقه و کنترل جمعیت؛
 - ۶- نفوذ دادن عوامل اطلاعاتی به درون جمعیت؛
 - ۷- پیش‌بینی نقشه محل و راه‌های قرق آن؛
 - ۸- فعال‌سازی و کار تخلیه متهمین و انتقال سریع؛
 - ۹- مرحله‌بندی و تقسیم کار با ناجا؛
 - ۱۰- رعایت تقدم به کارگیری یگان‌ها؛
 - ۱۱- تقویت امنیت مراکز حیاتی، حساس و مهم؛
 - ۱۲- تخصیص توان سازمان رزم موردنیاز؛
 - ۱۳- مدیریت روان‌سازی عبور و مرور؛
 - ۱۴- جداسازی و دستگیری محرکین و مسببین؛
 - ۱۵- بازجویی متهمین بازداشت‌شده و کشف اقدام بعدی آن‌ها؛
 - ۱۶- کنترل نقاط مشرف بر منطقه اغتشاش؛
 - ۱۷- استفاده از حداقل نیروی موردنیاز؛
 - ۱۸- تجزیه و تحلیل مرتب و مستمر از صحنه و اتخاذ تدابیر لازم؛
 - ۱۹- هماهنگی با دستگاه‌های ذی‌ربط جهت کم کردن تلفات احتمالی؛
 - ۲۰- عدم استفاده از سلاح گرم در اغتشاشات غیرمسلحانه؛
 - ۲۱- مدیریت اقدامات افراد خودجوش؛
 - ۲۲- پیش‌بینی احتیاط و محل استقرار آن؛
 - ۲۳- حداقل تلفات از اغتشاشگران؛
 - ۲۴- مستندسازی از متهمین در صحنه درگیری؛



- ۲۵- وحدت فرماندهی و تلاش در صحنه؛
- ۲۶- برقراری ارتباطات پایدار، امن و مناسب؛
- ۲۷- اجتناب از اعمال خشونت غیر ضروری با اغتشاشگران.
- ۴- **ترمیم و بازسازی:** به کلیه اقدامات و تدابیری که در راستای حل معضلات ناشی از اغتشاشات انجام می‌گیرد، ترمیم و بازسازی گویند.
- ۱- اطلاع‌رسانی مناسب به مردم و انجام عملیات روانی؛
 - ۲- توجیه مسئولین، علما و نخبگان؛
 - ۳- سرکشی به خانواده شهداء، مجروحین و آسیب دیدگان احتمالی و شرکت در مراسم آن‌ها؛
 - ۴- کنترل خانواده‌های کشته‌شدگان و زخمی‌ها و دستگیرشدگان؛
 - ۵- نگه‌داشتن احتیاط در نزدیک‌ترین محل به محل حادثه برای مقابله با احتمال تشدید بحران؛
 - ۶- پاک‌سازی محل از آثار تخریب؛
 - ۷- عادی و روان‌سازی امور در محل حادثه؛
 - ۸- استقرار نیروهای انتظامی و راهنمایی و رانندگی؛
 - ۹- تخلیه نیروهای امنیتی غیر ضروری از محل؛
 - ۱۰- مستندسازی کلیه وقایع به‌طور کامل، دقیق و تجزیه و تحلیل آن؛
 - ۱۱- بازسازی و ترمیم روحیه نیروهای عمل‌کننده (پورخزایی، حکیم، ۱۳۹۷: ۲۱).





نتیجه گیری:

با توجه به مطالب مطرح شده در متن تحقیق نتایج بررسی تطبیقی اغتشاشات و مدیریت آن در کشور چین و جمهوری اسلامی ایران در قالب جدول زیر ارائه می گردد.

عنوان	کشور چین	کشور ایران
الگوی مدیریت	ابتدا با انجام اصلاحات برای آرام کردن مخالفان و تشکیل کمیته ای برای رسیدگی به خواسته های معترضان سعی در به دست گرفتن کنترل اوضاع دارد. در صورت عدم موفقیت حکومت مخالفان خود را طرفداران سرمایه داری معرفی کرده و از این طریق با برجسب زدن به آنان، افکار عمومی را برای مقابله با اغتشاش گران. آماده می کند... در صورت ادامه ناآرامی ها سرکوب حتی به شکل خونین آن، مد نظر قرار گرفته و «ارتش آزادی بخش خلق چین» با پشتیبانی تانک ها و نفربرهای خود وارد صحنه می شود، رفتار بدون ملاحظه- اقدامان سخت و خشن	الگو مدیریت اغتشاشات در ج ۱۱ پیش بینی، پیشگیری، مقابله، ترمیم و بازسازی است مدارا و صبوری پلیس و کمک به رفع مشکلات
گروه های معترض	. کارگران شهری که با عدم امنیت شغلی و تورم دو دقمی دست و پنجه نرم می کنند و روشن فکران و دانشجویانی که برنامه های اصلاحی حکومت را سطحی و صوری دانسته و خواهان اصلاحات سیاسی، مبارزه با فساد مقامات دولتی و اعطای آزادی های مدنی می باشند...	گروه های معارض سلطنت طلب، منافقین و با برنامه ریزی کشورهای متخاصم و شارژ تبلیغاتی آنان اتفاق افتاده. و در برخی موارد به علت سوء مدیریت بوده است.





نارسانیه‌ها و عملکردهای ضعیف و دلایل بی‌شمار دیگر موجبات نارضایتی عده‌ای را فراهم آوردند. - اجرای سیاست‌های انقباضی دولت و همچنین فقدان تحلیل مشخص از اوضاع، نوعی ناکارکردگرایی سیستمی را موجب شده بود. به علاوه فقدان یک سیستم توجیه ملی در راستای اطلاع‌رسانی صادقانه و همه‌جانبه در خصوص فعالیت‌های دولت از یکسو و نیز بی‌کفایتی و سهل‌انگاری برخی مدیران اجرایی، اسباب متراکم شدن نارضایتی‌ها و درنهایت ایجاد شرایط اغتشاش آمیز در کشور را فراهم نموده بود. با بروز اغتشاشات منطقه‌ای و گسترش آن از جغرافیای نامحدود به وضعیت محلی و شهری، حساسیت‌های مختلفی در سیستم‌های امنیتی کشور ایجاد شد که باعث ورود مستقیم این نیروها و نیز تلاش جهت چاره‌اندیشی برای مدیریت اغتشاش‌های شهری در مواقع بروز آن گردید.	فساد اقتصادی رهبران، فقر و نارضایتی از اصلاحات حکومت، اعتراض علیه فساد حکومتی، درخواست آزادی بیان و در نهایت مطالبه‌ی اصلاح حکومت و قوانین جمهوری خلق چین	علل اغتشاش و خواسته‌ها
--	--	-------------------------------





در بعد از دفاع مقدس و برای توسعه اقتصادی و سازندگی کشور توسط رئیس‌جمهور وقت به علت سوء مدیریت و عدم رسیدگی به قشر آسیب‌دیده کشور باعث ایجاد نارضایتی‌هایی در سطح جامعه شد و به غلت مدیریت ناصحیح باعث ایجاد نارضایتی‌های بعدی شد با شکل‌گیری انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی، حضور مردم در جای‌جای نهادهای انقلاب، باعث رابطه وثیق و تنگاتنگ مردم و حکومت گردید و چنانچه در هر جا از کشور ناامنی و اغتشاش روی می‌داد، این خود مردم بودند که با بصیرت، مسئله را حل و فصل می‌کردند.	حکومت مخالفان خود را طرفداران سرمایه‌داری معرفی کرده و از این طریق با برچسب زدن به آنان، افکار عمومی را برای مقابله با اغتشاش گران. آماده می‌کند.. در صورت ادامه ناآرامی‌ها سرکوب حتی به شکل خونین آن، مد نظر قرار گرفته و «ارتش آزادی بخش خلق چین» با پشتیبانی تانک‌ها و نفربرهای خود وارد صحنه می‌شود. گفته می‌شود که برای تحریک سربازان به فرونشاندن ناآرامی‌ها و سرکوب مردم در مواردی به آنان داروهای محرک، نظیر آن چه برای تحریک سربازان آمریکایی در جنگ ویتنام استفاده می‌شد، داده شده است در این گونه موارد پکن از اعلام دقیق تعداد کشته‌ها اجتناب نموده و برای حل مشکلات خود راه حل‌های استراتژیک برای برگرداندن حاشیه به متن انتخاب می‌کند. نخبه‌گرایی و ورود تکنوکرات‌ها به حزب، الگوی رفتاری دیگری است که چینی‌ها برای کنترل اغتشاش‌های خود برگزیده‌اند.	نحوه مقابله
---	--	--------------------



پیشنهاها

با توجه به تلاش این تحقیق برای ارائه الگوی کنترل اغتشاش در سطح عملیاتی و تاکتیکی و با نگرش به مطالعات انجام شده، راه کارهای زیر برای کنترل اغتشاش در ج.ا.ا. پیشنهاد می گردد:

- بصیرت افزایی و مردمی کردن کنترل اغتشاش؛
- آموزش پلیس در جهت بالا بردن آستانه تحمل؛
- شفاف سازی در بسیاری از اقدامات؛
- اخذ خسارت از اغتشاش گران در راستای کاهش هزینه های اغتشاش؛
- اصلاح قوانین و مقررات؛
- آموزش و آگاه سازی مردمی جهت خودکنترلی اغتشاشات؛
- کاربرد حداقل خشونت (مردم داری، مردم یاری، مردم نوازی).





منابع

- بنی‌زاده موحد خامنه، سیما، (۱۳۸۰) «بررسی تأثیر حکومت در مشارکت سیاسی دانشجویان در سال‌های (۱۳۷۶-۱۳۶۸)» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]، ۱۳۸۱.
- پور خزایی، علی؛ حکیم، محمدعلی، (۱۳۹۷) «بررسی تطبیقی مدیریت اغتشاشات در جمهوری اسلامی ایران و فرانسه» فصلنامه دانش امنیتی شماره هشتم؛ زمستان ۱۳۹۷: ۴۵-۹ [دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)].
- حسن زاده، خلیل، (۱۳۸۱) «بررسی رابطه توسعه سیاسی و اقتصادی با امنیت و بحران در ایران» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران].
- جدی، سید مجید، (۱۳۸۳) «بررسی مدیریت بحران در زمینه امنیت داخلی و ارائه الگوی بهینه در این مورد» مورد پژوهش وقایع کوی دانشگاه تهران ۱۸ الی ۲۳ تیرماه ۷۸ [رساله دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی].
- جیرانی، هوشنگ، (۱۳۷۷) «جنبش دانشجویی در ایران ۱۳۳۲-۱۳۵۷» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران]
- چذیری، علی، (۱۳۸۱) نقش ابزاری سیستم‌های امنیتی در مدیریت بحران‌های داخلی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فارابی) - تهران ۱۳۸۱.
- زکریایی، محمد علی، (۱۳۷۸) کوی دانشگاه به روایت رسانه ها، انتشارات کویر - تهران، چاپ اول.
- کریمائی، علی اعظم (۱۳۸۴) بررسی کنشهای جمعی اعتراض‌آمیز و چگونگی مهار آن توسط نیروی انتظامی (تحقیق درسی)، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
- فتحی زاده دهکردی، علی، (۱۳۸۱) «نقش جنبش اصلاحات در شفافیت و تحول جناح‌بندی سیاسی و توسعه حزب» [دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران].
- مرادیان؛ محسن، (۱۳۹۰) بررسی نحوه اغتشاشات در دیگر کشورها (پایان نامه دکتری دانشگاه جامع امام حسین(ع)).
- رضوانی، حمیدرضا، (۱۳۸۵) مدیریت بحران سازمانی - ماهنامه تدبیر - چهارشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۸۵.
- سادات، رضا، (۱۳۸۱) میراث مائودر قربانگاه تحولات جهانی، ۳۰ دی، قایل بازیابی

درسایت (<http://www.nashriehnameh. Com>)





- سمیعی، مازیار، تیان آن مین: سرکوب خلق، به نام خلق، قابل بازیابی در سایت .
(<http://naghdeno.Org>).

- غنی نژاد ، «شورش حاشیه علیه متن» قابل بازیابی در سایت، (<http://gofte-goo.com/info/?p=42>- Feb 23rd 2008)

- منابع انترنی

-<http://naghdeno.Org>

-<http://gofte-goo.Com>

-<http://www.hrw.Org>

-<http://www.informaworld.Com>

-<http://hrw.org/press/index.Htm>

-<http://www.nashrieh-nameh.Com>

منابع لاتین

Mc Conkey, Dale; "Planning for Uncertainty"; Business Horizons
Journal ; Vol 30; 1987

